



غدیر، نه‌تنها یک واقعه تاریخی بلکه یک معیار برای شناخت حیات و مرگ حقیقی است. آنان که جرعه‌نوش غدیر شدند، به حیاتی جاودان دست یافتند؛ حیاتی که در آن، حقیقت، هدایت و سعادت جریان دارد؛ اما آنان که از این زلال نوش نکردند و جام‌های هوس و دنیاپرستی را برگزیدند، به مرگی در حیات دچار شدند. اینان، هر چند به‌ظاهر در میان زندگان آمد و شد کنند؛ اما در حقیقت، مردگانی بیش نیستند؛ چراکه روحشان از هدایت و حقیقت بی‌بهره است.

غدیر حقیقتی به وسعت توحید، نبوت و قیامت

سیدحسین خادِمیان نوش‌آبادی/ رئیس انجمن فقه مقارن جامعه‌المصطفی العالمیه ^{عَلَيْهِ السَّلَام}



رضا ^{عَلَيْهِ السَّلَام} می‌فرمایند: به‌درستی که در عید غدیر، خداوند متعال از هر زن و مرد مؤمنی، گناه شصت سال ایشان را می‌آمرزد و دو برابر آنچه در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر از آتش دوزخ آزاد کرده، آزاد می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّكَ فَاخْضَرْتَ يَوْمَ الْغَدِيرِ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ^{عَلَيْهِ السَّلَام} فَإِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ وَمُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ ذُنُوبَ سِتِّينَ سَنَةً وَيُعِيقُ مِنَ النَّارِ ضِعْفَ مَا أَغْتَقَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَلَيْلَةَ الْفِطْرِ». (تهذیب‌الحکام ۲۲/۶)

عید غدیر واژه‌ای ربانی است که فهم آن، فقط معطوف به

و علامه مجلسی ^{عَلَيْهِ السَّلَام} نقل می‌کند: پیامبر اکرم ^{صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ} صریحاً دستور حضور همگان جز کسانی را که عذر شرعی دارند، در غدیر‌صادر فرمود: «یا بلال ناد فی الناس أن لا یبقی غدا أحد إلا علیل إلا خرج إلی غدیر خم»؛ فردا همه به‌جز معلولان باید در غدیر خم حاضر باشند و این، یعنی حضور واجب و حداکثری در احتجاج به عدد حاضران در غدیر خم تصریح شده است. کذلک آخذ رسول‌الله ^{صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ} البيعة لعلي ^{عَلَيْهِ السَّلَام} بالخلافة علی عدد أصحاب موسی، فنكثوا البيعة واتبعوا العجل والسامری سنة بسنة ومثلا بمثل واتصلت التلبية ما بین مكة والمدینة»؛ پیامبر اکرم ^{صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ} برای خلافت علی ^{عَلَيْهِ السَّلَام}، به عدد اصحاب موسی (هفتاد هزار نفر) بیعت گرفت.

آیت‌الله خویی ^{عَلَيْهِ السَّلَام} نیز در در کتاب «معجم رجال الحديث » خود تصریح کرده است که ولایت علی ^{عَلَيْهِ السَّلَام} برخاسته از نصوص

جرعه‌نوشان غدیر

در زبان عربی، واژه «غدیر» به‌معنای آبگیری است که حاصل بارش باران یا جاری شدن سیلاب، در آن جمع می‌شود؛ تالابی که در دل زمین فرو رفته و آب حیات را ذخیره می‌کند؛ اما «غدیرخم» که در متون تاریخی و مذهبی جایگاهی عظیم دارد، هرگز صرفاً یک تالاب طبیعی نیست. غدیر خم، در تاریخ اسلام، نه‌تنها به‌عنوان یک محل جغرافیایی؛ بلکه به‌مثابه مکانی که واقعه‌ای عظیم و بی‌بدیل را به خود دیده است، شناخته می‌شود؛ واقعه‌ای که اقیانوسی بی‌پایان از هدایت، عشق و ولایت را در دل خود جای داده است. این اقیانوس، بشریت را در تمام طول تاریخ به جرعه‌نوشی از زلال حقیقت واداشته است؛ جرعه‌هایی که هرگز تمامی ندارد و هر نوشنده‌ای را به حیات جاودان می‌رساند.

• **نزول آیه در واپسین روزهای رسالت**

در واپسین روزهای زندگی آخرین پیام‌آور الهی، حضرت محمد ^{صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ}، حادثه‌ای عظیم در دل این اقیانوس شکل گرفت. جایی میان مکه و مدینه، در منطقه‌ای که به «غدیرخم» مشهور است، آیه‌ای بر پیامبر نازل شد که از «اکمال دین» و «اتمام نعمت» سخن می‌گفت؛ آیه‌ای که اعلام کرد: رسالت پیامبر در شرف پایان است؛ اما این پایان، به‌معنای رهاشدن انسان در گرداب ناآگاهی و بی‌هدایتی نیست. خداوند در این آیه، رسالت را در نقطه تکامل آن قرار داد و نعمت خود را بر انسان‌ها تمام کرد؛ اما چگونه؟ با نصب ولی و جانشینی که بتواند، این امانت بزرگ را در مسیر حق و حقیقت ادامه دهد.

• **سنگینی امانت بر شانه‌هایی استوار**

رسالت پیامبر ^{صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ} که سال‌ها با تلاش، ایثار و هدایت همراه بود، به نقطه‌ای حساس و تعیین‌کننده رسیده بود. پیامبر ^{صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ}، حامل امانتی بود که برای راهنمایی انسان‌ها تا انتهای تاریخ، نیازمند شانه‌هایی استوار و سترگ بود. این امانت، چیزی جز ولایت نبود؛ ولایتی که باید در وجود شخصی تجلی می‌یافت که از هر نظر شایسته و منتخب خداوند باشد. اینجا بود که پیامبر، در میان جمعی از حاجیان که از حج بازمی‌گشتند، دست به اقدامی زد که تاریخ را به دو بخش پیش از غدیر و پس از غدیر تقسیم کرد.

• **واقعه عظیم در غدیرخم**

در میانه راه بازگشت از مکه به مدینه، پیامبر ^{صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ} دستور توقف داد. مکانی که کاروان حاجیان متوقف شد، غدیرخم بود؛ جایی که قرار بود، پیام رسالت به نقطه اوج خود برسد. پیامبر ^{صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ}، بر فراز منبری که از جهاز شتران ترتیب داده شده بود، ایستاد و خطبه‌ای تاریخی ایراد کرد. در این خطبه، با صراحت و شفافیت، ولایت حضرت علی ^{عَلَيْهِ السَّلَام} را به‌عنوان جانشین خود و رهبر آینده مسلمانان اعلام کرد. سپس دست علی ^{عَلَيْهِ السَّلَام} را بلند کرد و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلاً فِهَذَا عَلِيٌّ مَوْلاً»؛ هرکس که من مولای او هستم، این علی مولای اوست.

• **تبریک‌ها و تردیدها**

جمعیت حاجیان، این اعلام رسمی را شنیدند و بسیاری از ایشان، با شوق و اخلاص، ولایت حضرت علی ^{عَلَيْهِ السَّلَام} را تبریک گفتند. این دسته از افراد، جرعه‌نوشان زلال غدیر بودند؛ کسانی که حقیقت را شناختند و آن را پذیرفتند. اما در میان این جمع، کسانی نیز بودند که به‌جای نوشیدن از چشمه زلال غدیر، جام‌های زهرآگین غرور، حسادت و تکبر را برگزیدند. این افراد، نه‌تنها از زلال حقیقت دور ماندند؛ بلکه با سرکشی و انکار، خود را از مسیر هدایت محروم ساختند.

• **زندگی جاودان یا مرگ در حیات؟**

غدیر، نه‌تنها یک واقعه تاریخی بلکه یک معیار برای شناخت حیات و مرگ حقیقی است. آنان که جرعه‌نوش غدیر شدند، به حیاتی جاودان دست یافتند؛ حیاتی که در آن، حقیقت، هدایت و سعادت جریان دارد؛ اما آنان که از این زلال نوش نکردند و جام‌های



هوس و دنیاپرستی را برگزیدند، به مرگی در حیات دچار شدند. اینان، هر چند به‌ظاهر در میان زندگان آمد و شد کنند؛ اما در حقیقت، مردگانی بیش نیستند؛ چراکه روحشان از هدایت و حقیقت بی‌بهره است.

• **ولایت، جوهره رسالت**

اگر بخواییم رسالت پیامبر ^{صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ} را در یک مفهوم خلاصه کنیم، آن مفهوم چیزی جز ولایت نیست. ولایت، جوهره و لبّ لباب رسالت است. رسالت، انسان‌ها را به مسیر هدایت دعوت کرد و آنان را از تاریکی جهل به نور دانش و ایمان رساند؛ اما این مسیر هدایت، بدون چراغ ولایت، در میان راه، تاریک و بی‌راهه می‌شد. جرعه‌نوشان غدیر، کسانی بودند که از رسالت به ولایت راه یافتند و با پذیرش ولایت، مسیر هدایت خود را کامل کردند؛ اما آنان که ولایت را پذیرا نشدند، حتی از رسالت نیز فاصله گرفتند و در تاریکی جهل و گمراهی فرو رفتند.

علیرضا مکتب‌دار، سردبیر نشریه عربی الآفاق

قرآنی است و می‌نویسد:« اصل شیعه و پیروی از حضرت امیرالمؤمنین ^{عَلَيْهِ السَّلَام} برخاسته از قول خداوند سبحان است که می‌فرماید: ﴿انما وليکم الله ورسوله والذین آمنوا...﴾ (مانده ۵۵) (معجم رجال‌الحديث، ج ۱۱، ص ۲۷)

حضرت امیرالمؤمنین ^{عَلَيْهِ السَّلَام} در موارد فراوان بارها به آیات ولایت، صادقین، مودت، اولی الامر، مباحله، تطهیر، سابقون، ابتغاء و... در برابر غاصبان ولایت و وصایت و امامت احتجاج نمود و ولایت و افضلیت خود را ثابت و اعلان نمود و بزرگان حدیث و تاریخ در منابعی مانند آثار ذیل آن را گزارش نموده اند: خصال، ج ۲، ص ۵۵۸ و ۵۶۱؛ امالی طوسی، ص ۵۴۹ و ۵۵۱؛ ارشادالقلوب، ج ۲، ص ۲۶۱؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۱۳۶؛ الغارات، ج ۱، ص ۲۳۹؛ تفسیر نورالنفقین، ج ۵، ص ۲۶۴؛ اثبابة الهداه، ج ۳، ص ۷۹؛ حلیة‌الابرار، ج ۲، ص ۳۳۰؛ کتاب سلیم‌بن قیس، ج ۲، ص ۶۴۳؛ کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۷۶؛ بحارالانوار، ج ۳۱، ص ۴۱۱ و... .

علامه مجلسی ^{عَلَيْهِ السَّلَام} ابوابی را از کتاب شریف بحارالانوار، به بیان روایات احتجاج حضرت امیرالمؤمنین علی ^{عَلَيْهِ السَّلَام} به آیات ولایت و امامت اختصاص داده است: بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۳، باب ۵؛ ص ۴۹۷، باب ۱۵؛ ج ۳۱، ص ۳۱۵، باب ۲۶؛ ص ۴۰۷، باب ۲۷.

احتجاجات حضرت امیرالمؤمنین علی ^{عَلَيْهِ السَّلَام} به آیات ولایت و مناقب‌شان، در برابر غاصبان ولایت و در روز شوری نیز مورد نقل علمای اهل سنت قرار گرفته است؛ به‌عنوان نمونه حموینی در فرائدالسمطین، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۲۵۰، احتجاج امام علی ^{عَلَيْهِ السَّلَام} به آیات سابقون (واقعه، ۱۰)؛ اولی الامر (نساء، ۵۹)؛ ولایت (مانده، ۵۵) و اکمال (مانده، ۳) را نقل می‌کند. جهت اطلاع بیشتر رجوع شود: احقاق الحق، ج ۵، ص ۲۶ به بعد و ج ۱۵، ص ۶۷۹؛ الغدیر، ج ۱، ص ۳۳۴.

مرحوم شیخ مفید ^{عَلَيْهِ السَّلَام} نقل می‌کند: امام صادق ^{عَلَيْهِ السَّلَام} فرمودند: وقتی رسول‌خدا ^{صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ} از دنیا رفتند، چهل نفر نزد امیرالمؤمنین ^{عَلَيْهِ السَّلَام} آمدند و عرض کردند: به خدا قسم! از هیچ‌کسی غیر از شما اطاعت نمی‌کنیم. ما روز غدیر را فراموش نمی‌کنیم که حضرت در مورد شما چه فرمودند.

عید غدیر مانند شب قدری است که همگان باید احیا بگیرند تا در آن خود را محک بزنند که فرزند غدیر بوده و هستند و مانده‌اند یا رجیم غدیر و رانده‌شدگان نعمت ولایت و امامت هستند. در بازنگری اعمال و اقوال خود ببینیم، مروج غدیر بوده‌ایم یا عمله ابلیسان منکر و تضعیف‌کنندگان غدیر و مروجان دشمنان غدیر.

مراقب ابلیسیان باشیم که در هر لباس و شکل و ... ظهور و بروز دارند؛ همان‌طور که رجیم اطاعت از توحید، ذلیل و پست و مغفور شد، هرکس که رجیم غدیر گردید، ذلیل و خوار و مغفور گردید.